دستاوردهای یک پژوهش هنری

نقوش مرده‌ای که بر صنایع‌دستی جان گرفتند

سپهرغرب، گروه فرهنگی: گروهی از طراحان و هنرمندان صنایع‌دستی خوزستان به پژوهش درباره نقوش حک‌شده بر سنگ‌قبرهای دزفول پرداخته و از این نقش‌ها در ساخت سفال و کپوبافی بهره برده‌اند.

مجتبی گهستونی، دبیر انجمن دوستداران میراث فرهنگی تاریانا یکی از افراد این گروه است که در گزارشی به جزئیات فعالیت‌ها و دستاوردهای این کارگروهی پرداخته است.

از دوران کهن تا به امروز، هرگاه گردشگران از این‌سوی دنیا برای دیدار با ملل گوناگون به چهارگوشه جهان سفر می‌کردند، برای سوغات بردن یا حتی تأمین نیاز سفرشان اقدام به خرید صنایع‌دستی می‌کردند و همراه خود می‌بردند.

امروزه ویژگی‌های گردشگری باعث شده است تا جوامع محلی، تولیدات خود را به گردشگران عرضه کنند. به همین دلیل فروش صنایع‌دستی فرصتی است تا متصدیان گردشگری، بخشی از ویژگی‌های فرهنگی دیار خود را در قالب عرضه صنایع‌دستی به نمایش بگذارند. گردشگری این امکان را فراهم کرده تا گردشگران از طریق صنایع‌دستی به گوناگونی سلیقه، مهارت و حتی سطح معیشت جوامع پی ببرند. به همین دلیل صنایع‌دستی همواره دارای نقش کاربردی و به‌مرور به ارزش‌های فرهنگی آن افزوده می‌شود.

در این نوشتار ابتدا به معرفی «شهیون» از مناطق تاریخی- طبیعی شمال استان خوزستان در شهرستان دزفول که در تولید کپو از شاخص‌ترین مناطق خوزستان است، خواهیم پرداخت و سپس به نقش اقتصادی صنایع‌دستی در جامعه روستاییان منطقه می‌پردازیم.

اهالی بخش شهیون، بختیاری و از طایفه شِهی و باب هفت لنگ دورکی هستند. بختیاری‌ها که در تقسیم‌بندی میان گروه‌های قوم لر به لر بزرگ شناخته می‌شوند در طول تاریخ در گستره سرزمینی که امروزه شامل بخش‌هایی از استان‌های لرستان، خوزستان، اصفهان، مرکزی و چهارمحال و بختیاری است زندگی کرده‌اند.

در بخش شهیون و بین دو روستای گردشگری پامنار و اسلام‌آباد در منطقه‌ای با قدمت تاریخی و حفاظت‌شده بنای قلعه‌ای به نام شاداب وجود دارد که محیط‌زیست و زیستگاه برخی از گونه‌های جانوری و گیاهی است. قلعه شاداب با ۱۰ کیلومتر طول و ۴ کیلومتر عرض از بزرگ‌ترین قلعه‌های طبیعی ایران محسوب می‌شود و دیواره‌های طبیعی آن تا ۷۰۰ متر ارتفاع دارند.

نقوش بردهای بالاسر

یکی دیگر از نقاط دیدنی قلعه شاداب، قبرستان قدیمی معروف به پاقلعه است؛ با سنگ‌های ایستاده و نقوش متفاوت که هرکدام گویای مشخصاتی از شخص متوفی هستند. در آن منطقه به سنگ‌هایی که نقش دارند؛ «برد بالاسر» می‌گویند.

سنگ گورهای گورستان قلعه شاداب، عمدتاً به دودسته اصلیِ سنگ گورهای ایستاده و سنگ گورهای خوابیده تقسیم می‌شوند. سنگ گورهای ایستاده؛ اغلب مستطیل شکل بافرم منحنی در قسمت بالای سنگ و یا به شکل پنج‌ضلعی غیر منتظمی است که یک زاویه آن در بالا قرارگرفته و پایه این پنج‌ضلعی موازی با سطح زمین و دو ضلع دیگر آن عمود بر گور است. سنگ گورهای افقی یا خوابیده معمولاً شامل اطلاعاتی از شخص متوفی است. روی سنگ گورهای مردان نقش اسب‌سوار، اسلحه گرم و سرد و ردیفی از انسان در پایین و روی سنگ گورهای زنان نیز برگرفته از نوع زندگی زنان کوچ‌نشین ایلاتی، نقوش دارِ قالی، قیچی و شانه دیده می‌شود.

روی برد بالاسری برخی از سنگ گورها مردی سوار بر اسب و شمشیر در دست و یا شمشیر به کمر، به نشانه محل آرمیدن مردی سلحشور در میدان رزم حکاکی شده است. سنگ گور دیگری نشان می‌دهد که فرد فوت‌شده خانمی بامهارت اسب‌سواری و شکار بوده که می‌توانسته از درخت نخل هم بالا رفته و خرما بچیند. دیگری رقصنده خوبی بوده و در ساخت کوزه و رنگ‌آمیزی آن ماهر بوده. خوشه‌های گندم گویای آن هستند که فرد درگذشته، کشاورز خوبی بوده و زمین زراعی بسیاری داشته است. یکی آهنگر توانا و دیگری میزبان جنگجویان و رهگذران بوده زیرا بر سرسنگ قبرش قلیان جوزی وجود دارد، قلیانی که برخلاف قلیان‌های معمولی که مخزن آب آن‌ها از شیشه و استیل و نقره است، مخزن آب آن به شکل کوزه و از جنس چوب گردو است که روی آن حکاکی شده.

سبک‌کار هنرمندان حجار این ناحیه مانند هنرمندان قدیم ایران به سبک طبیعت‌گرایی نبوده بلکه به شیوه هزاران سال پیش نقش تجریدی و رمزگونه را برای حجاری‌های خود ترجیح داده‌اند. در نگاه نخست به نظر می‌رسد که نقوش سنگ گورهای این گورستان برگرفته از فرهنگ زندگی ایلات بختیاری هستند تا جایی که می‌توان این نقوش را در دست بافته‌های عشایر بختیاری این ناحیه نیز مشاهده کرد.

نقوش سنگ گورها از پتانسیل بسیار بالایی برای تبدیل‌شدن به دستمایه‌ای جهت تولید صنایع‌دستی برخوردارند. طرح‌های اولیه‌ای نیز از روی نقوش سنگ گورها با توجه به نوع بافت خاص کپو تهیه و به‌طور آزمایشی در اختیار زنان کپوباف قرار داده‌شده است. این نقوش به‌خوبی توانسته‌اند به‌عنوان نقوش تزئینی در این هنر بومی ظاهر شوند

نقوشی که علاوه برداشتن اصالت، زیبایی دست بافته‌های کپو را دوچندان کرده‌اند.

از نقش‌مایه‌های سنگ گورهای این گورستان در هنرهای دیگر مانند صنعت سفالگری هم می‌توان به‌صورت آزمایشی استفاده کرد.

کپوبافی

روستاهای پامنار و اسلام‌آباد که نزدیک به هم قرار دارند خاستگاه هنر کپوبافی در دزفول محسوب می‌شوند. کپوبافی برای مردم این منطقه نه‌تنها هنر و ذوق به شمار می‌رود بلکه خودِ زندگی و شیوه مناسبی برای امرارمعاش زنان زحمتکشی است که در کنار کار طاقت‌فرسای روزانه به آن می‌پردازند و همواره به‌عنوان میراثی گران‌بها آن را حفظ کرده‌اند.

کپوبافی از بافته‌های حصیری و مواد اولیه آن کَرتک و برگ نخل‌های خرما است که از سالیان متمادی رواج داشته است. کرتک نوعی گیاه خودرو است که در حاشیه نهرها، رودخانه‌ها و دشت‌های منطقه شهیون به‌وفور یافت می‌شود. کپوبافی بافت اشکال مسطح بیضی‌شکل و دایره‌ای شکل با کاربردهای مختلف و بافت مصنوعات صنعتی ازجمله گلدان، جای دستمال‌کاغذی، زیرکتری، زیر قوری، میوه‌خوری و انواع دیگر محصولات حصیری را شامل می‌شود.

نوع تولیدات کپو در منطقه ازنظر کمی و کیفی در سطح بسیار خوبی قرار دارد. تاکنون نمایشگاه کپوبافی نیز در روستای پامنار باهدف ارائه توانمندی‌های زنان و دختران این منطقه در امر کپوبافی و بافته‌های حصیری برگزارشده که موردتوجه گردشگران بسیاری قرار گرفته است. محصولات تولیدی کپو در این روستا و روستاهای شهرستان دزفول به سایر نقاط کشور به‌ویژه تهران و شهرهای شمالی ارسال می‌شوند.

حجاری‌ها در خدمت کپوبافی

با توجه به اینکه هنر زنان و برخی از مردان شهیون کپوبافی است و برای دست بافته‌های آن‌ها از پوشش گیاهی خاص این ناحیه و فراوانی درخت نخل که از دیرباز تاکنون در این منطقه وجود داشته استفاده می‌شود تصمیم گرفتیم یکی از پروژه‌های تحقیقاتی خود که بی‌ارتباط با قبرستان قلعه شاداب، نقوش تدفینی، کپوبافی و اقتصاد مردم محلی نیست را در شهیون به اجرا دربیاوریم.

کپوبافی همانند بیشتر هنرهای دستی سینه‌به‌سینه و نسل به نسل انتقال پیداکرده. نقوشی که در حال حاضر روی کپوها استفاده می‌شوند، شامل طرح‌های ساده هندسی است که با دست‌های پرتوان صنعتگران این ناحیه روی کپوها نقش می‌بندند. با توجه به رکود کپوبافی در میان مردمان این ناحیه این هنر بومی نیازمند ارتقای نقوش و طرح است و می‌توان با جان بخشیدن به نقش و نگارها به احیا و گسترش هر چه بیشتر این هنر بومی کمک کرد.

توانمندسازی جامعه روستایی

سال ۱۳۹۰ خورشیدی بود که پس از سفر به منطقه شهیون در استان خوزستان برای انجام تحقیقات لازم به‌منظور انتشار کتاب گردشگری خوزستان با آرامستانی در کنار قلعه شاداب آشنا شدیم که ویژگی‌های خاصی داشت. اگرچه تمام‌کارهای لازم برای معرفی روستاهای گردشگری شهیون به طرق مختلف انجام شد اما از آن زمان تا به امروز بازدیدهای مکرری از آن آرامستان داشتیم تا در صورت مشاهده تخریب‌ها و تعرض‌هایی که به آرامستان شده است موضوع را با متولی حفظ آثار تاریخی در میان بگذاریم.

سال ۱۳۹۵ خورشیدی با تشکیل گروهی متشکل از این‌جانب، آرش نور آقایی، بهار سرگزی، نوشین کاظمی، پوران زنگنه و البته راهنمایی‌های سامان فرجی از پژوهشگران محلی در خوزستان تصمیم گرفته شد تا به بررسی نقوش تدفینی آرامستان قلعه شاداب بپردازیم. هدف از تشکیل این گروه نه‌تنها بررسی نقوش تدفینی در قبرستان قلعه شاداب بود بلکه به دنبال به وجود آوردن زمینه‌های لازم برای حفاظت از این آرامستان، استفاده از نقوش سنگ‌قبرها در کپوهای تولیدی منطقه شهیون و دست بافته‌های دیگر، تولید انواع وسایل کاربردی با استفاده از طرح‌های در اختیار، چاپ کتاب و تهیه تولیدات تصویری برای معرفی نقش و نگارها، انتخاب برند برای تولیدات محلی با استفاده از عنوان‌های بومی و همچنین ایجاد بازار اقتصادی بودیم.

از ابتدای تشکیل این گروه یک مرحله به‌صورت کامل و تک‌به‌تک از تمام قبرها، عکس‌برداری و فیلم‌برداری کردیم. سپس تعداد مزارهایی که نقش و نگار داشتند مشخص شد و درنهایت طراحِ گروه اقدام به طراحی تمام نقوش سنگ‌های بالاسر کرد. در ادامه او با تفکیک تمام نقش‌ها باعث شد تا با تنوع نقوش انسانی، حیوانی و جانوری، گیاهی و ابزار مواجه شویم. با آماده‌سازی طرح‌ها، به‌صورت آزمایشی تعدادی کپو توسط بومیان با الهام از نقوش بومی که در اختیار آنان قرار گرفت بافته شد تا خوش‌نشینی نقوش روی کپوها و ترکیب‌بندی رنگ‌های پیشنهادی به دست بیاید. در ادامه این پروژه تعدادی از نقوش با تنوع گوناگون روی لیوان چاپ شد تا نمونه‌های آزمایشی موردبررسی بیشتر قرار بگیرند. سپس نقوش موردنظر در اختیار سه تن از استادکاران صنایع‌دستی قرار گرفت تا انتشار نقوش تدفینی روی صنایع‌دستی دیگر نیز آزمایش شود.

اما کار ارزشمند دیگری که انجام شد انتخاب نام برای کپوهای تولیدی بود. این نام از میان داستان‌هایی که اهالی درباره قلعه شاداب نقل می‌کنند انتخاب شد. پس از مشورت با تعدادی از اهالی که اقدام به تولید کپو می‌کنند، نام «دست‌آفرینه‌های کپو خورشید آفرین قلعه شاداب» را انتخاب کردیم تا به‌عنوان برندی برای آن تولیدات استفاده شود.

پروژه موردنظر در ابتدای مسیر است و در آینده نزدیک با مشارکت جامعه محلی ضمن اینکه می‌توان به حفاظت هرچه بیشتر از آرامستان قلعه شاداب امیدوار بود شاهد کاربرد هرچه بیشتر نقوش تدفینی در صنایع‌دستی منطقه نیز خواهیم بود. نکته دیگر اینکه محصولات کپوی شهیون به‌صورت شناسنامه‌دار عرضه می‌شوند تا از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری به‌عمل آید.

در برخی از شهرها و روستاها توجه به صنایع‌دستی به‌عنوان فرصتی برای برون‌رفت از مشکلاتی در حوزه فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی باعث شده تا در جوامع توسعه‌یافته داخل کشورمان برای این هنر- صنعت برنامه‌ریزی لازم صورت بگیرد.

اکنون ما به‌عنوان گروه دوستدار توسعه پایدار و فعال در حوزه گردشگری و میراث فرهنگی اعتقادداریم که می‌توانیم با استفاده درست از صنایع‌دستی، توجه به نقوشی که می‌توانند باعث تأثیر در ابعاد گوناگون جوامع درحال‌توسعه شوند، مشارکت فعالانه اهالی روستاهای پامنار و اسلام‌آباد و بخش شهیون و حضور در بازارهای گوناگون ذائقه گردشگران داخلی و خارجی را که سلیقه‌های گوناگونی دارند را تأمین کنیم.

اسدالله چهره‌پرداز:

«سیاه‌مشق» بیانگر قدمت تایپوگرافی در ایران است

سپهرغرب، گروه فرهنگی: اسدالله چهره‌پرداز از اساتید پیشکسوت هنر گرافیک، گفت: تایپوگرافی عبارتی غربی است اما اگر سیاه‌مشق‌های خوشنویسان را نگاه کنیم دقیقاً مانند تایپوگرافی است حتی سردر بناهای مذهبی و حاشیه آن‌که با خط ثلث نوشته‌شده هم تایپوگرافی است.

استاد گرافیک دانشگاه در تعریف تایپوگرافی که با استقبال روزافزونی در دهه‌های اخیر مواجه شده است، اظهار کرد: تایپوگرافی یک سبکی از طراحی است که ابزار آن را حروف و کلمات تشکیل می‌دهد. وظیفه اصلی نوشتار، اطلاع‌رسانی است اما وقتی از نوشتار غیر از اطلاع‌رسانی، ایجاد فضای زیبا و شکل سازی را هم انتظار داریم آن‌وقت تایپوگرافی می‌شود.

وی افزود: یکی دیگر از تعاریف تایپوگرافی این است که مثلاً پوستری را می‌بینیم که ساختار کلان آن نوشتار است و درنهایت ۲۰ درصد آن تصویر است، مثل کارهای آقای رضا عابدینی که با حروف فارسی بدون تقلید از غربی‌ها فضاسازی کرده است.

چهره‌پرداز در پاسخ به این پرسش که استاندارد شناسایی تایپوگرافی چیست و آیا جدا کردن حروف از یکدیگر هم می‌تواند تایپوگرافی باشد، گفت: بله اگر طراح کارش را درست انجام داده باش، می‌تواند تایپوگرافی باشد مثلاً آقای «هرب لوبالین» در طراحی نشانه مجله «مادر و بچه» کلمه بچه (Child) را در حرف اُ مادر (Mother) نوشته و باردار بودن مادر را تداعی کرده است.

وی درباره پیشینه تایپوگرافی در ایران گفت: تایپوگرافی عبارتی غربی است اما اگر سیاه‌مشق‌های خوشنویسان را نگاه کنیم دقیقاً مانند تایپوگرافی است. تایپوگرافی انواع و اقسام دارد، مثلاً برخی تایپوگرافی‌ها خوانا و دارای روایت مشخص است؛ اما تایپوگرافی‌هایی هم هستند که حروف نقش تصویری به خودشان می‌گیرند مانند سیاه‌مشق‌ها.

این مدرس دانشگاه افزود: سیاه‌مشق‌هایی که خوشنویس‌ها در قدیم کار می‌کردند شاید صرفاً برای زیبایی نبود ممکن است به دلیل محدود بودن کاغذ و برای استفاده حداکثری از فضا پدید می‌آمد و ناخواسته فرم زیبایی را تشکیل می‌داد یعنی مخاطب مفهوم و روایتی را دریافت نکرده و فقط فضا و ترکیب‌بندی زیبایی را مشاهده می‌کند.

وی ادامه داد: البته در طول تاریخ هنرمان می‌بینیم که غیر از سیاه‌مشق با نوشتار کارهای زیبایی انجام‌شده مثلاً سردر بناهای مذهبی و حاشیه آن‌که با خط ثلث نوشته‌شده هم تایپوگرافی است.

چهره‌پرداز افزود: در این صورت تایپوگرافی فقط برای غربی‌ها نیست و از قدیم‌الایام بوده فقط اسمش چیز دیگری بوده است منتها گرافیک با روش و شکل امروزی را خارجی‌ها زودتر از ما شروع کردند چه در تبلیغات فرهنگی چه در تبلیغات تجاری و قاعدتاً بیشتر هم پیشرفت کردند اما در حال حاضر سطح گرافیک ما بسیار خوب است.

وی در توصیه به هنرجویانی که قصد ورود به مقوله تایپوگرافی رادارند، خاطرنشان کرد: کسانی که از منبع استفاده می‌کنند مشق نظری انجام می‌دهند یعنی کتاب می‌خوانند، منابع اینترنتی را مرور می‌کنند، از نمایشگاه‌ها دیدن می‌کنند اما کامل‌تر و دقیق‌تر این است که در کنار این منابع از استاد هم بهره ببرند تا بتوانند کار را اصولی یاد بگیرند.

روش متفاوت تدریس در کلاس آقای طلبه:

دست و جیغ و احکام

سپهرغرب، گروه فرهنگی: محمدرضا جوان آراسته طلبه جوانی است که به‌جای استفاده از روش‌های قدیمی و معمول تدریس راه‌های تازه‌ای را به کلاس درس بازکرده که اتفاقاً برای دانش‌آموزان هم جذابیت دارد.

کلاس درس و مدرسه از چیزهایی است که کمتر کسی آن را دوست دارد و معمولاً همه فراری هستند بااین‌همه کسانی وجود دارند که سعی می‌کنند این کلاس‌ها را برای بچه‌ها جذاب‌تر کنند. یکی از این افراد «محمدرضا جوان آراسته» است که سعی کرده کلاس‌ها درس متفاوتی را تشکیل دهد که با او درباره شیوه‌ها تدریس خودش و برخورد بچه‌ها صحبت کردیم:

تبلیغ در مدارس اولویت جدی من است

سال ۸۱ وارد حوزه شدم و باراهنمایی یک استاد در همان سال‌های اول رویکرد تبلیغی پیدا کردم. در همین سال‌ها در کنار تحصیلات حوزوی با ادبیات آشنا شدم و به‌صورت تخصصی داستان‌نویسی را پیگیری کردم و سر کلاس نویسنده‌های شناخته‌شده و موفقی نشستم. از سال چهارم حوزه تبلیغ را شروع و از همان ابتدا برای تبلیغ به دبیرستان‌ها می‌رفتم. قم، اصفهان، شیراز و تهران شهرهایی بودند که سال‌ها برای تبلیغ به مدرسه‌های آن‌ها رفتم.

تبلیغ در مدارس همچنان یکی از اولویت‌ها و علاقه‌های جدی من است. از سال گذشته با همکاری یکی از دبیرستان‌های قم کار متمرکز تدریس را شروع کردم. البته من به‌طور رسمی دبیر نیستم و استخدام آموزش‌وپرورش نشدم. بااین‌حال سال گذشته سه کلاس داشتم و امسال هشت کلاس و از پایه ۹ تا ۱۱ را درس می‌دهم؛ دینی و نگارش. در کلاس‌های نگارش تأکید من روی نگارش خلاق بچه‌ها است؛ تمرین و ایده سازی‌های خلاق برای علاقه‌مند کردن بچه‌ها به نوشتن.

همیشه تدریس را دوست داشتم

درس دادن و تدریس از علاقه‌های من است و شاید تبلیغ در مدارس ریشه در همین علاقه داشته باشد. به‌جز آموزش داستان‌نویسی در مدارس سال‌ها برای طلبه‌ها کلاس آموزش تبلیغ هم برگزار کرده‌ام. فکر می‌کنم لذت آموزش را نتوانم با چیز دیگری عوض کنم.

من داستان‌نویسی را خیلی جدی دنبال کردم و نتیجه‌اش این بود که یک سال سردبیر مجله اینترنتی فرهنگی- هنری فیروزه بودم و تقریباً چهار سال مدیر گروه داستان مدرسه اسلامی هنر قم و بیش از ۱۰ دوره تدریس داستان‌نویسی در حوزه هنری و مراکز آموزشی دیگر برگزار کرده‌ام همچنین اکنون مشغول به برگزاری یک دوره مجازی هستم.

بازی، کلاس درس را جذاب می‌کند

نتیجه‌ای که این سال‌ها به آن رسیدم تا کلاس‌ها هم جذاب باشند و هم مفید، چند نکته‌ای است:

• بازی. آموزش همراه با بازی همیشه جواب می‌دهد و جذاب هم هست.

• کلاس‌های مشارکتی. سر کلاس‌های من بچه‌ها شنونده محض نیستند؛ حرف می‌زنند، مشارکت می‌کنند، مخالفت می‌کنند و همیشه اجازه صحبت کردن دارند.

• سعی می‌کنم بحث‌ها همیشه از جنس مطالبی باشند که مخاطب به آن‌ها نیاز دارد و دغدغه‌اش شده باشد. اگر هم بحثی را لازم بوده مطرح کنم اما مخاطب احساس نیاز به آن نداشته باشد اول او را متوجه می‌کنم که چقدر به این مسئله نیاز دارد و بعد وارد بحث می‌شوم.

امروز در کلاس‌های مدرسه باید سرفصل‌های آموزشی کتاب را بگویم اما به بچه‌ها گفتم لازم نیست کتاب سر کلاس بیاورند و من هم کتاب را باز نمی‌کنم. خودم از قبل بحث‌های کتاب را می‌خوانم و همان مباحث را با مقدمه‌هایی جذاب‌تر، واقعی‌تر و کاربردی‌تر مطرح می‌کنم. در حقیقت مفاهیمی که در کتاب‌ها وجود دارد را با روش خودم تلفیق و بیان می‌کنم.

مباحث تبلیغ را بچه‌ها انتخاب می‌کنند

برای کلاس‌هایی که به‌عنوان مبلغ می‌روم، بحث‌ها به انتخاب خود دانش‌آموزهاست. دخترهای دبیرستانی سؤال‌ها و بحث‌های مشخصی دارند، معمولاً چهار سؤال و مسئله همیشه جزء دغدغه‌های اولشان است: روابط دختر و پسر، حجاب، ازدواج، تفاوت‌ها و تبعیض‌های بین زن و مرد. هرکدام از این موضوع‌ها یک زنگ کامل بحث دارد اما وقتی چند بار سر یک کلاس می‌روم و این بحث‌ها تمام می‌شوند، موضوعات اعتقادی هم اضافه می‌شود.

خدمت به خلق، عبادت است

معمولاً واکنش بچه‌ها به این نوع از آموزش مثبت است چون به آن‌ها خوش می‌گذرد و درعین‌حال حرف مهم و جدیدی هم می‌شنوند. آموزش دو گوهر فوق‌العاده دارد؛ اول این‌که به خودم مطلب زیادی یاد می‌دهد؛ برای همه کلاس‌هایم هم مطالعه می‌کنم و هم‌فکر درنتیجه همین‌که قرار است چیزی یاد بدهم قبلش خودم بیشتر یاد گرفتم حتی اگر بحث تکراری باشد! دوم این‌که آموزش، کمک کردن به دیگران است و چه چیزی بهتر از این چون عبادت به‌جز خدمت به خلق نیست.

نسل امروز تنوع‌طلب هستند

اگر از من بپرسید می‌گویم شاید بین نسل ما و این نسل تفاوت خیلی زیادی در دین‌داری نباشد البته این نسل چند ویژگی مهم هم دارند که شاید دوران ما کم‌تر بود؛ این‌ها جرئت ابراز کردن دارند، تنوع‌طلب هستند، بدون دلیل و صرفاً با توصیه چیزی را نمی‌پذیرند همچنین بعضی از چیزها که برای ما جدی بود برای این نسل بی‌اهمیت شده است.

یکی از چیزهایی که برای ما خیلی مهم بود، چشم‌اندازی از خودمان در آینده بود که برایش خیلی تلاش می‌کردیم. به نظر می‌رسد بعضی از بچه‌های این نسل هیچ قله‌ای روبه‌روی خودشان ندارند که برایش تلاش کنند. آن سال‌ها دیگران برای ما خیلی مهم بودند، به خاطرشان خیلی کارها می‌کردیم اما بعضی از نسل امروزی‌ها خود و فردیتشان مهم‌تر از دیگران شده است. به نظرم بعضی از این ویژگی‌ها منفی هستند بعضی نتیجه افراط‌وتفریط‌های نسل ماست بعضی هم مثبت.

«کوپال» نماینده ایران در بیست و سومین جشنواره فیلم «کلکته» شد

سپهرغرب، گروه فرهنگی: فیلم سینمایی «کوپال» به نویسندگی و کارگردانی کاظم ملایی در بخش اصلی جشنواره فیلم کلکته هندوستان رقابت می‌کند.

فیلم سینمایی «کوپال» به نویسندگی و کارگردانی کاظم ملایی به‌عنوان تنها نماینده سینمای ایران به بخش اصلی بیست و سومین جشنواره فیلم کلکته هند راه یافت تا برای کسب جایزه ۷۲ هزار دلاری این جشنواره با ۱۳ فیلم از کشورهای کانادا، آلمان، ایتالیا، ایسلند، ترکیه، بنگلادش، لهستان، شیلی، پرتغال، اسپانیا، برزیل، مجارستان و کشور میزبان به رقابت بپردازد.

جشنواره فیلم «کلکته» یکی از معتبرترین جشنواره‌های فیلم آسیا است که در سال ۱۹۹۵ در هندوستان تأسیس‌شده است. این جشنواره که به‌عنوان قدیمی‌ترین جشنواره فیلم هندوستان به‌حساب می‌آید به همراه جشنواره گوآ جزء جشنواره‌های مورد تأیید انجمن تهیه‌کنندگان جهانی فیلم (FIAPF، فیاپف) در هندوستان به شمار می‌آید.

جشنواره کلکته که سابق با موضوع زنان برگزار می‌شد از سال ۲۰۱۴ به‌صورت عمومی و رقابتی در بخش‌های مختلف آثار سینمایی، مستند و کوتاه برگزارشده و امسال جایزه نقدی بهترین فیلم این فستیوال چیزی حدود ۳۰۰ میلیون تومان است که تا به امروز بزرگ‌ترین جایزه نقدی تمام جشنواره‌های بین‌المللی فیلم دنیا محسوب می‌شود.

فیلم «کوپال» توانسته است در بیستمین حضور بین‌المللی خود در بخش رقابتی این جشنواره که با عنوان نوآوری در تصاویر متحرک معرفی‌شده، به نمایش درآید. از آثار شاخص این بخش می‌توان به پسر صوفیه (بهترین فیلم داستانی جشنواره ترابیکا ۲۰۱۷)، ۱۹۴۵ (برگزیده جایزه تماشاگران برلین ۲۰۱۷)، رفتارهای خوب (جایزه ویژه هیئت‌داوران لوکارنوی ۲۰۱۷)، Los Perros (منتخب هفته منتقدان کن و برگزیده مونیخ و سن سباستین ۲۰۱۷)، مرتب کردن بر اساس خانواده (جایزه ویژه هیئت‌داوران سن سباستین ۲۰۱۷)، عشقی که آن‌ها نمی‌دانند چگونه در دنیا بمانند (منتخب لوکارنوی ۲۰۱۷)، پرندگان در کیگالی آواز می‌خوانند (برگزیده کارلووی واری و نامزد هوگوی طلایی شیکاگو ۲۰۱۷) اشاره کرد.

«کوپال» که چندی پیش به‌عنوان بهترین فیلم جشنواره براشوف کانادا برگزیده‌شده بود، داستان تاکسیدرمی ست و شکار کشی به نام دکتر احمد کوپال با بازی لوون هفتوان است که درست قبل از تحویل سال نو با چالشی غریب در زندگی شخصی‌اش مواجه می‌شود. این اثر که به‌عنوان یک فیلم اولی متفاوت در جشنواره ملی فیلم فجر سال گذشته مطرح شد، قرار است به‌زودی در سینماهای کشور به اکران عمومی درآید. نازنین فراهانی، پوریا رحیمی سام و سگی به شارون از بازیگران دیگر این پروژه به‌حساب می‌آیند.

جشنواره فیلم «کلکته» از تاریخ ۱۰ تا ۱۷ نوامبر، مصادف با ۱۹ تا ۲۶ آبان، در شهر کلکته هندوستان برگزار می‌شود.